

# مقایسه فرآیند توسعه در ایران و ژاپن در چارچوب نظریه آدریان لفتویچ از سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ میلادی

\*احسان ایل‌شاهی \*سیدعطاءالله سینایی \*\*\*سیدخدایار مرتضوی اصل  
\* دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [ehsan1987.i@gmail.com](mailto:ehsan1987.i@gmail.com)  
\*\* استادیار، هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [sinaee@pnu.ac.ir](mailto:sinaee@pnu.ac.ir)  
\*\*\* استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [kh-mortazavi@azad.ac.ir](mailto:kh-mortazavi@azad.ac.ir)  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴  
ص: ۱۶۷-۱۸۴

## چکیده

توسعه، امری زمینه‌محور، تاریخمند و مبتنی بر زیست جهان و ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی ملت‌ها است. در چنین بافتاری است که نتیجه پیوند و همگرایی و یا عدم تعامل و واگرایی عناصر مختلف بروز پیدا می‌کند. پژوهش پیش‌رو به روش نهادگرایی تطبیقی با بهره‌گیری از نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفتویچ به بررسی و مقایسه موضوع توسعه اقتصادی با تمرکز بر سه‌گانه سیاست-دولت-توسعه در کشورهای ایران و ژاپن در دوره زمانی ۱۹۰۰-۱۸۵۰ میلادی پرداخته است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش؛ فیش‌برداری و استفاده از اسناد و آمارهای موجود بوده است. پرسش اصلی پژوهش این است که سطح خودگرایی نهادهای دولتی، ویژگی‌های نظام دیوانی و وضعیت تاریخی ایران، ژاپن در ارتباط با نظام بین‌المللی، چگونه بر تجربه توسعه، در دوره تاریخی مورد نظر، در این کشورها تاثیر گذاشته است؟ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ژاپن به دلیل ایجاد یک دولت مستقل و ایجاد شبکه‌ای از نخبگان توسعه‌گرا بر مبنای یک بروکراسی قوی و منسجم توانست با هموارسازی بستر بین‌المللی مناسب، به کامیابی دست یابد و با به دست آوردن رتبه هفده شاخص ترکیبی توسعه در سال ۲۰۲۱ در زمره کشورهای توسعه‌یافته قرار بگیرد، اما ایران به دلیل عدم ایجاد بروکراسی مناسب و تاسیس دولت خودگران نتوانست به این امر خطیر دست یابد و با کسب رتبه یکصدونه در زمره کشورهای توسعه‌یافته در وضعیت هشدار قرار گرفت. از این حیث، موضوع توسعه برای ایران در قالب یک مفهوم حسرت و رازواری باقی ماند.

**واژه‌های کلیدی:** دولت‌های توسعه‌گرا، نخبگان توسعه‌خواه، استقلال نسبی دولت، دیوان‌سالاری، بستر بین‌المللی.

## نوع مقاله: پژوهشی

### ۱- مقدمه

از این منظر، توسعه باور بنیادین دنیای مدرن است. کشورهایی که به لحاظ سیاسی باز هستند، قانون بر همه حکم‌فرماست، از حقوق مالکیت خصوصی افراد حمایت می‌شود و اقتصاد بازار غالب است. توسعه هنگامی رخ می‌دهد که یک جامعه توانایی تبدیل تجربه‌ها و دانش ضمنی خود به دانش آشکار و نیز مهارت تبدیل تجربه‌ها به نهادها و فرایندهای پایدار و بلندمدت را پیدا کند. توسعه تا حد قابل

تعلیق<sup>۱</sup> توسعه در برخی از کشورهای جهان موسوم به دولت‌های توسعه‌نیافته، به یک ابرچالش جدی تبدیل شده است. «توسعه» همزاد مدرنیته و نگرش برآمده از دنیای مدرن است. برخلاف جهان‌بینی خیمه‌ای و سلسه‌مراتبی جهان سنتی که تحول در آن به‌سختی امکان‌پذیر بود، در دنیای جدید سرعت توسعه و تحولات بسیار سریع و چشمگیر است.

1. Epoché



در نیمه دوم قرن ۱۹ از آن عقب مانده‌ایم. این موضوع خود نشان از رازآلودگی مفهوم توسعه است. مهمترین و ریشه‌ای-ترین مانع توسعه سیاسی و اقتصادی ایران، نقش دولت است. از این زاویه که کدامین ساختارها و چگونه ارتباطی با گروه‌های اجتماعی، بر ظرفیت‌های تصمیم‌سازی و اجرایی دولت‌ها می‌افزاید یا از آنها می‌کاهد؟ فرضیه پژوهش ما بر اساس تئوری لفت‌ویچ این است که ایران در خلال ۱۵۰ سال گذشته نتوانسته دولتی برنامه‌ریز، مداخله‌گر از نوع مثبت، نظارت‌کننده، لیبرال و با سودجویی و بهره‌مندی از ظرفیت نخبگان شایسته‌سالار ایجاد نماید. با وجود اینکه بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و طرح‌ها و برنامه‌های بسیاری برای اصلاح نظام اقتصادی کشور صورت گرفته است؛ همچنان در بسیاری از بخش‌ها با تنگناها و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم.

## ۲- مبانی نظری:

توسعه‌یافتگی یا توسعه، به معنای رشد موزون و همگن است. یک ساختار همگن ساختاری است که در آن همه شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، روانی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، موزون دنبال گردد (ناعم و یعقوب زاده، ۱۳۹۷: ۱۸). پیتر اوانز<sup>۱</sup> معتقد است، برخی دولت‌ها قادرند چشم اندازه‌های کارآفرینی دراز مدت را در میان نخبگان بخش خصوصی تقویت کنند، به برطرف‌سازی دشواری‌های اقدام جمعی کمک کنند و در زمینه آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها به سرمایه‌گذاری بنیادی بپردازند. نخبگانی که زمام اینگونه دولت‌ها را در دست دارند در برابر بهره‌گیری از افزوده‌های جامعه در راستای منافع شخصی خود مصون نیستند اما کشوری که حاکمیتش را در دست دارند به خاطر برخورداری از کالاهای همگانی فراهم شده توسط همین نخبگان، از آهنگ سریعتری در زمینه توسعه برخوردار است. در کنار و ارتباط تنگاتنگ با این گزاره اصلی، دو گزاره دیگر یعنی، وجود دیوان‌سالاری اقتصادی منسجم و خودگردانی بسیار حائز اهمیت هستند. اما خودگردانی فقط نیمی از قضیه است. نیمه دیگر اتکا به جامعه است. دولت توسعه‌گرا باید با گروه‌های اجتماعی خارج از خود نیز مجموعه روابط فشرده‌ای داشته

توجهی به مسائل یک راز قابل درک است. راز، از این حیث که کشورهای توسعه‌یافته چه برنامه‌ریزی‌هایی انجام دادند که این چنین در مدت زمانی نه چندان خیلی زیاد پیشرفت و ترقی کرده‌اند. دولت‌ها در هر کشوری نقش مهمی در فرایند توسعه اقتصادی و خدمات‌دهی به جامعه برعهده دارند. کشورهای توسعه‌یافته پیوسته در تلاش برای تهیه و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های متنوعی هستند تا به اهداف گوناگون میان‌مدت و بلندمدت توسعه‌ای دست یابند. توسعه در ایران هم پیش از انقلاب و هم بعد از انقلاب مفهومی مظلوم بوده است. پیش از انقلاب با برداشت مکانیکی از توسعه، آن را به سطح رشد اقتصادی فرو کاسته بودند و بعد از انقلاب با نگاهی ایدئولوژیک به توسعه، آن را مفهومی غربی و تا حدودی نامتناسب با فرهنگ اسلامی قلمداد کردند، تا جایی که کوشیدند عنوان برنامه‌های توسعه را به برنامه‌های تعالی تغییر دهند. در ژاپن به دلیل وابسته بودن نظام حکومتی و جامعه، دولت خود را موظف می‌دانست تا در ازای دریافت مالیات از مردم، خدمات و رفاه مناسبی برای ملت خود تامین نماید اما در ایران از زمان کشف نفت، دولت کم‌کم خود را از جامعه جدا دید و همین امر باعث شد تقریباً شکاف میان مردم و جامعه افزایش یابد و مردم از دولت ناراضی بگردند. برای آنکه میان مردم و دولت یک همدلی خوبی به وجود آید، نیاز به نهادهایی فراگیر می‌باشد. به دیگر سخن، به نهادهایی پاسخگوتر و کارآمدتری نیاز داریم تا به ما کمک کنند راحت‌تر در مسیر دولت‌های توسعه‌گرا قرار بگیریم. کارآمد سازی نهادی یک امر پیوسته فرایندی است؛ بدین معنا که توافق جمعی، با توجه به چشم اندازی که در اثر تحلیل ظرفیت‌های توسعه برای خود ترسیم می‌کند، خیزی برمیدارد، حرکتی می‌کند که پیش برود. در این صورت متوجه تدارک سازوکار نهادی کارآمد، به مثابه ابزار و مرکب رساندن این تقاضا به نتیجه مطلوب می‌شود. در واقع یک وضعیت ساختاریابی رخ می‌دهد (سینائی و شفییعی، ۱۳۹۷: ۹۲). در ایران چه در دوران قبل از انقلاب و چه حتی بعد از انقلاب، برنامه‌های توسعه کم نداشتیم اما هنوز به آن مرحله‌ای از توسعه که باید می‌رسیدیم دست نیافته‌ایم و علی‌رغم همزمانی‌هایی با ژاپن

1. Peter Evans



(عجم اغلو و رابینسون، ۲۰۱۲: ۵۶). پژوهشگران زیادی در زمینه توسعه و توسعه‌نیافتگی به بررسی دولت در جهان سوم پرداخته‌اند. آن‌ها کشورهایی را که فاقد ویژگی‌های دولت مدرن و بوراکراتیک وبری بوده‌اند، با عناوین مختلفی همچون پاتریمونیال، نئوپاتریمونیال، متزلزل، ضعیف یا غارتگر معرفی می‌نمایند. در واقع همه این دولت‌ها در مقوله دولت غیرتوسعه‌گرا جای می‌گیرند. مفهوم دولت توسعه‌گرا ریشه در نهادگرایی دارد. دولت‌های توسعه‌گرا به دولتی گفته می‌شود که با استفاده از قدرت، استقلال از طبقات و گروه‌ها و توانایی دیوان سالارانه، کشور را به سمت و سوی توسعه اقتصادی هدایت میکند (دلفروز، ۱۳۹۷: ۴۷). تاریخچه دولت توسعه‌گرا به قرن ۱۶ در هلند باز می‌گردد و برای اولین بار توسط چالمرز جانسون<sup>۲</sup> مطرح گردید. ماروالا<sup>۳</sup> مهمترین ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا را تاکید بر سهم از بازار بیش از سود، ملی‌گرایی اقتصادی، پشتیبانی از تقویت صنایع داخلی، تمرکز بر انتقال فناوری از خارج، دیوان‌سالاری جامع دولت، بوروکراسی عقلانی و شایسته‌گرا، بهبود زیرساخت‌ها برای کسب و کار توسط دولت، تشویق نهادی برای اعتبار ذخیره و استراتژیک، سیاست صادرات‌گرا برمی‌شمارد (ماروالا، ۲۰۰۳: ۱-۲). نظریات لفت‌ویچ<sup>۴</sup> در میان سایر افرادی همچون پیتر اوانز، چارلمرز جانسون و اتول کولی<sup>۵</sup> که در مورد دولت‌های توسعه‌گرا که در بستر رهیافت نهادگرایی به مطالعه پرداخته‌اند به دلیل توجه بیشتری که به ساختار سیاسی نشان داده است از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین، از مهمترین ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا آدریان لفت‌ویچ می‌توان به صورت خلاصه به شرح ذیل اشاره نمود:

❖ نخبگان توسعه‌گرا: دولت‌های توسعه‌گرا از سوی نخبگان توسعه‌گرای مصممی هدایت شده‌اند که حداقل در مقایسه با فساد فراگیر نسبتاً غیر فاسد بوده‌اند. اصولاً رهبران سیاسی برای طراحی و اجرای برنامه‌های تغییر اجتماعی، اقتصادی، قانونی و سیاسی باید از ویژگی‌های چون خدمت‌خالصانه به مردم، قدرت اتخاذ تصمیمات درست و به موقع، قدرت الهام بخشی به مردم و قبول اشتباهات برخوردار باشند.

باشد تا بتواند با همکاری آنها پروژه‌های توسعه را به اجرا درآورد. بدون روابط فشرده با گروه‌های بیرونی، مقامات و مدیران دولتی، نه به اطلاعات مربوط به برنامه‌های قابل اجرا دسترسی خواهند داشت نه می‌توانند وظایف گسترده لازم برای دست یافتن به تحولات راستین را انجام دهند. در عین حال بدون استقلال از همین گروه‌های بیرونی نیز دولت به کارگزار آنها تبدیل می‌شود و منافع ویژه و بلافصل همین گروه‌ها به جای اهداف دراز مدتی می‌نشیند که باید محور دستور کار دراز مدت دولت باشد. بنابراین بحث اصلی اوانز این است که حفظ تعادل بین خودگردانی و اتکا به جامعه کلید موفقیت دولت در تقویت تحولات اقتصادی است (اوانز، ۱۳۸۰: ۲۴). به طور کلی، توسعه، امری سیاسی است: به این معنا که مسائل اجرایی و فنی، ویژگی و توانایی دولت را تعیین نمی‌کند، بلکه این سیاست است که صرفنظر از دموکراتیک یا غیردموکراتیک بودن دولت، توسعه را ایجاد و حمایت می‌کند. سیاست، یعنی تضادها، همکاری‌ها و مذاکراتی که برای استفاده، تولید و توزیع منابع مادی یا معنوی چه در سطح ملی، چه در سطح محلی و چه در سطح بین‌المللی و چه در قلمروی فردی و همگانی به کار می‌رود. در حوزه توسعه، ماهیت نظام سیاسی دموکراتیک یا غیردموکراتیک مهم نیست بلکه توسعه‌خواه بودن یا نبودن دولت مهم است (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۵).

نورث<sup>۱</sup> و همکارانش معتقدند همه جوامع باید مسئله خشونت را حل کنند و بین دو راهی که جوامع این مسئله را حل می‌کنند، تمایز قائل شوند (نورث و همکاران، ۲۰۱۱: ۲). کنترل خشونت از طریق ایجاد نهادهای حکمرانی خوب، خود امری ضروری برای توسعه است. از سوی دیگر، عجم اغلو و رابینسون، مشکل کشورهای توسعه نیافته را اندک‌سالارانی دانستند که بر جامعه حاکم می‌شوند و به بهانه حفظ امنیت همه منابع را به خود اختصاص می‌دهند. گرچه نهادهای اقتصادی تعیین‌کننده هستند که یک کشور فقیر باشد یا مرفه و سعادتمند، اما این سیاست‌ها و نهادهای سیاسی هستند که تعیین می‌کنند یک کشور چه نهادهای اقتصادی داشته باشد

4. Adrian Leftwich

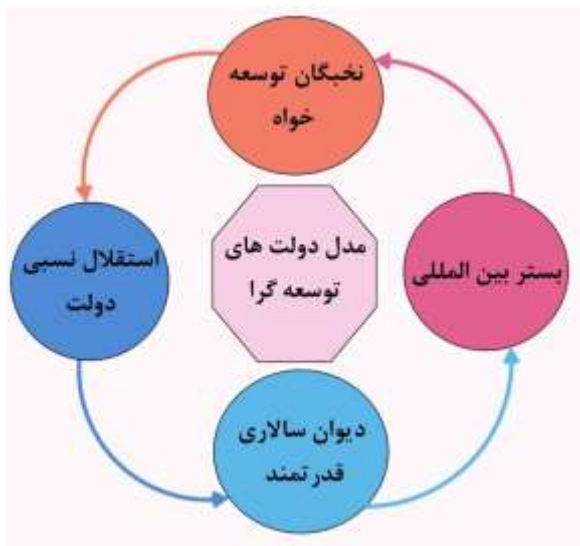
5. Atul Kuhli

1. Douglass North

2. Chalmers Johnson

3. Marwalla

نورث، دارون عجم‌اغلو و جیمز رابینسون<sup>۱</sup> می‌توان گفت که ایران به سبب داشتن نظم دسترسی محدود در عرصه سیاست و در اقتصاد نتوانسته و نخواهد توانست به مدل توسعه اقتصادی دولت‌های توسعه‌گرا دست یابد. در این پژوهش با استفاده از مدل نهادی دولت توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ با در نظر گرفتن چهار مولفه کلیدی نخبگان توسعه‌خواه، استقلال نسبی دولت، دیوان‌سالاری قدرتمند و بستر بین‌المللی مناسب که در شکل شماره ۱ نشان داده شده به بررسی تطبیقی-تبیینی نقش نظام حکومتی در ایران و ژاپن می‌پردازیم تا دلایل اصلی توسعه‌یافتگی<sup>۲</sup> در ژاپن و عدم توسعه‌یافتگی ایران مشخص گردد. از مزایای استفاده از رهیافت نهادگرایی در این نوشتار می‌توان به جذابیت و توجهی خاصی است به بعد ایجابی و مقوله اصلاح نهادی به بستر تحقق توسعه اقتصادی و سیاسی در کشورها دارد اشاره کرد. در نهادگرایی<sup>۳</sup> ساختارها و رویه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و به همین دلیل است کشورهای آسیای جنوب شرقی از جمله ژاپن با استفاده از همین رهیافت و ایجاد پایه‌های مناسب توانستند راه توسعه را نسبت به سایر کشورها پیش بگیرند.



شکل ۱. الگوی نظری پژوهش (منبع: نویسندگان)

### ۳- پیشینه پژوهش:

❖ استقلال نسبی دولت: منظور از استقلال این است که دولت دارای یک استقلال ریشه‌دار باشد و بتواند در برابر درخواست‌های گروه‌های هم‌سود، آزادی عمل نسبی داشته باشد و از هیاهوی نفس‌گیر علائق خاص به طور نسبی عدم وابستگی حاصل کند و به هیچ وجه تحت تاثیر درخواست‌ها قرار نگیرد.

❖ دیوان‌سالاری قدرتمند: در همه دولت‌های توسعه‌گرا نهادهایی به عنوان مراکز عالی فرماندهی اقتصادی امر توسعه را هدایت کرده‌اند. وجه ممیزه این نهادها از نهادهای مشابه در بسیاری از کشورهای غیر توسعه‌یافته، قدرت واقعی، اقتدار فنی و استقلال آنها در شکل دهی به نیروهای بنیادین سیاست‌های توسعه است. نهادهای سیاستگذار اقتصادی این کشورها تا حدود زیادی تجلی دیوان‌سالاری‌های مدرن و عقلانی وبری هستند که در جریان‌های سیاستگذاری توسعه‌ای تحت تاثیر جریان‌های سیاسی قرار نمی‌گیرند.

❖ جامعه‌مدنی ضعیف: گروه‌ها، صاحبان منافع خصوصی سازمان‌یافته، احزاب و ... هستند که از سطح خانواده، بالاتر و از سطح دولت پایین‌تر هستند. در همه دولت‌های توسعه‌گرا، جامعه مدنی یا از ابتدا قدرت چندانی نداشته و یا توسط دولت تضعیف، در هم شکسته یا کنترل شده است. از این جهت، دولت توانسته است فارغ از فشارها و مطالبات و بی‌ثباتی‌های احتمالی ناشی از فعالیت‌های نهادهای جامعه مدنی، در جامعه مدنی نفوذ و کشور را به سمت و سوی توسعه اقتصادی کشور را پیش ببرد.

❖ بستر بین‌المللی: تاکید بر وجود بستر بین‌المللی کارآمد به معنای تحت الشعاع قراردادن هم شرایط داخلی و هم اوضاع و احوال سیاست خارجی یک کشور است. هراندازه کشوری دارای دیپلماسی قوی‌تر و از توان چانه‌زنی و لابی‌گری بیشتری برخوردار باشد، به همان اندازه نیز از منافع ارتباط با دهکده جهانی نفع خواهد برد و از موارد حاصل شده بیشتری در ترقی و پیشرفت کشور خود بهره‌مند خواهند شد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده پیرامون دولت‌های توسعه‌گرا در بستر رهیافت نهادگرایی با تأکید بر آرای نهادگرایان برجسته و معروف از جمله آدریان لفت‌ویچ، پیتر اوانز، داگلاس

3. Institutionalism

1. Daron Acemoglu and James Robinson

2. Development

چرا علی‌رغم شروع توسعه زودتر ایران نسب به ژاپن، این چنین ما عقب مانده‌ایم.

#### ۴- روش تحقیق:

از دیرباز مقایسه میان کشورها و بررسی انواع وضعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان همیشه مورد مطالعه بوده است. یکی از روش‌هایی که این نوشتار بر مبنای آن انجام شده است، روش تطبیقی - تبیینی می‌باشد. روش مقایسه‌ای از سه جهت دارای اهمیت است. اول آنکه آگاهی محقق را از کشورهای مختلف افزایش می‌دهد. دوم آنکه روش مقایسه‌ای محقق را از تعمیمات بیجا باز می‌دارد و در نهایت عبرت‌آموزی از تجارب دیگران نیز سومین مورد مهم است که با استفاده از روش مقایسه‌ای می‌توان به آن دست یافت (هرسیج، ۱۳۸۰: ۹). دولت‌های توسعه‌یافته به طور فزاینده‌ای با محدودیت‌ها و فرصت‌های مشابهی روبرو بودند که اغلب با راه حل‌های سیاستی مشابه به آنها پاسخ می‌دادند. حرکت از تمرکز بر نهادها از طریق تمرکز بر فرایندهای سیاسی و رفتار سیاسی به سوی علاقه به سیاست عمومی مقایسه‌ای را می‌توان به خوبی در تحقیقات برخی از پژوهشگران مشاهده نمود (مارش و استوکر، ۱۳۹۹: ۲۵۵). مطالعه نهادهای سیاسی نقش اصلی در هویت رشته علوم سیاسی دارد و جانسون معتقد است تحلیل نهادی باید به کشف شیوه‌ای که در آن زندگی نهادها، مقاصد ضمنی موجود در هنجارها، را بیان می‌کنند (نمی‌کنند) یا رویه‌ها یا قواعدی که ویژگی خود نهادها را تعیین می‌کنند، پردازد (جانسون، ۱۹۷۵: ۲۷۷). هیگ<sup>۱</sup> و دیگران استدلال می‌نمایند، به علت اینکه نمی‌توان به بررسی کشورها با این تصور که آنها از هم جدا هستند پرداخت، نیازی فزاینده برای تفکر جهانی و مقایسه‌ای وجود دارد (هیگ و دیگران، ۱۹۹۲: ۲۹-۲۸). جهانی شدن همچنین باعث دشوارتر و ضروری‌تر شدن تحلیل مقایسه‌ای می‌شود (مارش و استوکر، ۱۳۹۹: ۲۵۷). به همین سبب، در این پژوهش از روش مذکور برای مطالعه و بررسی رهیافت نهادگرایی و رویکردهای آن برای تحلیل و واکاوی توسعه اقتصادی در دو

نویسندگان زیادی به پژوهش در زمینه توسعه، نهادگرایی و دولت‌های توسعه‌گرا پرداخته‌اند و کتب و مقالات متعددی نیز در این راستا نیز منتشر شده است که در ذیل به مرور اجمالی و مقایسه آن‌ها می‌پردازیم. در برخی از پژوهش‌ها از جمله (مطیع، ۱۳۷۹) و (حکمی، ۱۳۷۰) به بررسی نقش نخبگان، (تخت‌روانچی و بالکان، ۱۳۹۷) به بررسی نقش دولت در سیاست خارجی ژاپن، (حقیقی، حاج حسینی و نرگسی، ۱۳۹۵) به بررسی سیاست‌های توسعه در بسترهای الکترونیکی پرداخته شده بود اما در این مقاله سعی شده است با بررسی چند مولفه ارزشمند مذکور در بخش چارچوب نظری، به بررسی موضوعات مربوط به توسعه و تحولات اقتصادی پرداخته شود و ترجیحاً از توصیف موارد مربوط به تحولات تاریخی و اجتماعی همچون پژوهش (حقیقی، ۱۳۸۴) اجتناب گردد. از دیگر تمایزات این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها در این است که در اغلب آن‌ها به موضوع برنامه توسعه اقتصادی ژاپن اشاره‌ای نشده بود اما در این مقاله به صورت ویژه به این موضوع اشاره و تحولات و ترتیبات نهادی اتخاذ شده مورد بررسی قرار گرفت. از سوی دیگر، برخی از نگارش‌ها چون (عطار، ۱۳۸۸) تنها به نظام برنامه‌ریزی توسعه در ژاپن توجه شده بود و سایر پارامترهای مورد نظر این پژوهش در آن لحاظ نشده بود، اما در این پژوهش دو کشور ایران و ژاپن جهت مطالعه انتخاب گردید تا مقایسه با شیوه‌ای بهتر بر اساس شاخص‌های توسعه اقتصادی موجود انجام گیرد. در مقاله دیگر از (خاکباز، ۱۳۸۷)، به صورت موردی به توصیف و تحلیل نظام بودجه ژاپن پرداخته و از نظریه پرداز خاصی استفاده نکرده است، درحالی‌که در این مقاله، با استفاده و بهره‌مندی از نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ که البته در نوبه خود کار نوینی است، به بررسی تحولات دولت‌های توسعه‌گرا و علل موفقیت آن‌ها پرداخته است. همچنین لازم به ذکر است که سایر نویسندگان هم از نظریات نظریه‌پرداز فوق به هیچ‌وجه در پژوهش‌های خود به صورت مستقیم استفاده نکرده بودند. در نهایت، مقایسه تطبیقی انجام شده در تاریخ مورد نظر حاکی از شروع زمان توسعه در ایران و ژاپن است که می‌تواند ذهن خواننده را به چالش بیاندازد که

1. Hague

مشاغل مهم گماشته شدند (مدنی، ۱۳۹۹: ۹۸-۶۸). نخبگان در ژاپن را می‌توان در چهار دسته اصلی در قرن ۱۹، به شرح ذیل: (۱) اقتصادی (تجار، دایمیوها) (۲) سیاسی (شوگون، سامورایی‌ها) (۳) اجتماعی (۴) فرهنگی (روشنفکران) تقسیم‌بندی نمود. اهمیت انقلاب میجی در این بود که شوگون‌های توکوگاوا و سایر عناصر و طبقات سنتی را به زیر کشید و دوره‌هایی از دگرگونی ژرف و در واقع انقلابی از بالا را شروع نمود (موثقی و حسن‌پور، ۱۳۹۹: ۱۷۵). نخبگان توسعه‌خواه در مسیر دولت‌سازی، به ایجاد نهادهای نظامی و آموزشی پرداختند. در سال ۱۸۶۹، وزارت جنگ، در سال ۱۸۷۱، وزارت آموزش و پرورش، در سال ۱۸۷۱ گارد امپراطوری و در ۱۸۹۷ نهادهای تربیت معلم را بنیانگذاری نمودند. دولت میجی پس از صرف هزینه‌های سنگین برای اعزام دانشجو به خارج، دعوت از متخصصین خارجی و تاسیس موسسات آموزش حرفه‌ای در داخل کشور، متوجه شد که مزیت مطلق در آموزش حرفه‌ای، در بخش خصوصی است، به همین خاطر، ساختار مدارس کارخانه‌ای را نهادینه کرد (حقیقی، ۱۳۸۴: ۳۳۳). نخبگان ژاپنی با استفاده از اعتقادات مذهبی، مقام از دست‌رفته امپراطور را مجدد احیاء و با ترویج نهادهای رفتاری مناسب از جمله همبستگی اجتماعی، دیدن سود فردی در تأمین منافع گروه، احترام به قوانین و مشارکت صمیمانه در امور، حس وطن‌پرستی، پس‌انداز و صرفه‌جویی توانستند یک الگوی مناسب کاری پایه‌ریزی کنند. اهمیت علم و دانش از گذشته‌های دور موضوعی بود که همیشه توسط نخبگان به آن تأکید می‌شد و به علت سکولار بودن تعلیم و تربیت، مخالفت‌های عمده‌ای با آموزش‌های جدید و غربی انجام نگرفت. نخبگان ژاپن، جنبه‌های مثبت کشورهای غربی را در تمامی امور دریافت و بعد آنها را بر اساس فرهنگ خود بومی‌سازی کردند. خلاصه، نخبگان توسعه‌خواه ژاپن، با نهادینه‌کردن رفتارهای اقتصادی و اخلاق و فرهنگ کاری، کشور را برای ورود به یک مرحله جدیدی از تحولات اقتصادی-سیاسی آماده کردند. در ژاپن، نیروهای سنتی و مدرن در کنار یکدیگر دولت‌سازی را ارجحیت بر پاسخگویی دموکراتیک قرار دادند.

**۷- استقلال نسبی دولت**

کشور ایران و ژاپن در محدوده زمانی ۱۹۰۰-۱۸۵۰ میلادی استفاده شده است. در این پژوهش جهت واکاوی و تحلیل بهتر موضوع مقایسه توسعه سعی شده است تا با بررسی چند شاخص توسعه اقتصادی که در قسمت تحلیل یافته‌ها به آن اشاره خواهد شد به واکاوی علت موفقیت ژاپن و از سوی دیگر عدم کامیابی ایران در این فرایند پردازیم.

#### ۵- تحلیل مولفه‌های دولت توسعه‌گرا در ژاپن:

موفقیت یک کشور در کار رشد و توسعه اقتصادی تنها به برتری فرهنگی آن ارتباط ندارد، بلکه بیش از همه به توانایی در تطبیق و دوباره‌سازی شرایط فرهنگی مربوط است. ژاپن، از راه محافظه‌کارانه اصلاحات از بالا وارد جهان نو شد و سرانجام پس از طی تجربه دولت‌های راست‌گرای توتالیتر به سیاست و حکومت مشارکت‌آمیز و رقابت‌آمیز روی آورد. در این پژوهش فرجام ما بررسی عوامل توسعه‌یافتگی ژاپن از منظر مولفه‌های دولت‌های توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ می‌باشد.

#### ۶- نخبگان توسعه‌خواه

درفاصله ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ مردان بزرگی از خانواده‌های سامورایی در ژاپن پا به عرصه وجود گذاشتند و منشاء تغییرات و تحولات مهمی در آن کشور شدند. واضح است، یک امپراطور ۱۶ ساله (میجی) قادر نبود تا کارهای زیادی انجام دهد، پس این روشنفکران بودند که با استفاده از قدرت و مقام امپراطور به نام او اصلاحات اساسی پایه‌گذار رشد و توسعه اقتصادی را شروع کردند. بیشتر آنها آشنا به سپاهی‌گری، مهارت‌های نظامی و یا کار اداری بودند و با آداب و فلسفه کنفوسیوسی تعلیم یافته بودند. روشنفکران عهد میجی برنامه اصلاحات خود را با برقراری نظام استبدادی به مورد اجرا گذاشتند، چون تصور می‌شد در غیر این صورت تحولات اقتصادی با سرعت لازم انجام پذیر نخواهد بود. روشنفکرانی که در عهد امپراطور میجی پیش‌تاز تغییر و تحول در جامعه ژاپن شده بودند، دانش خود را در دوره توکوگاوا دریافت کرده بودند و سپس به نسل جوان انتقال می‌دادند. مردان میجی به جای نابودی سامورایی‌ها که بیشتر قدرت در زمان توکوگاوا در دست داشتند، از آنان دعوت به همکاری کردند و بعضاً آن‌ها را به



و تقویت ملی کمک کرد (کولدو، ۲۰۱۳). پیش‌نویس قانون اساسی در سال ۱۸۸۸ و نخستین قانون اساسی ملی اقتباس شده از سیاست‌های کشور آلمان در سال ۱۸۸۹ تهیه و تدوین گردید. در سال‌های اولیه میچی، کارکنان بر اساس ارتباطات شخصی انتخاب می‌شدند، اما بعد حکومت به سمت استخدام غیرشخصی حرکت کرد (گوردون، ۲۰۱۳: ۶۴). از دیگر اقدامات مهم میچی، می‌توان به غربی‌سازی و نوسازی سریع ژاپن از طریق الغاء سیستم فئودالیسم در سال ۱۸۷۱ اشاره نمود. در مراحل اولیه تشکیل دولت، میچی در سال ۱۸۸۱، اقدام به تاسیس شبکه راه‌آهن نمود. با ورود کشتی‌های تجار انگلیسی به سواحل ژاپن، امنیت دفاعی کشور زیر سوال رفت و گسترش صنعت کشتی‌سازی و توسعه راه‌های دریایی در دستورکار قرار گرفت. برای جلوگیری از تسلط خارجی‌ان بر امور مالی و بانکی، نظام مالی و بانکی پیشرفته‌ای ایجاد و جهت تسهیل ارتباطات سیستم پستی و تلفنی احداث گردید (حقیقی، ۱۳۸۴: ۳۳۳).

#### ۸- دیوان‌سالاری قدرتمند

دولت توکوگاوا، میراث لازم برای یک نظام بوروکراتیک را برای دولت میچی به ارث گذاشت و تغییرات اجتماعی در روستاها و هم هسته اولیه گروه‌های اجتماعی و نخبگانی را پدید آورد که مرتبط با تجارت و صنعت بودند و باعث گذار سریع ژاپن به سیستم سرمایه‌داری شدند (کمپ، ۱۳۷۹: ۲۲۸). ژاپن تنها کشور آسیایی است که قبل از آغاز قرن بیستم، انقلاب فکری و فرهنگی به عنوان پیش‌نیاز تحول و توسعه در آن انجام شده و همچنین اولین کشور آسیایی که توانایی تقلید از غرب را پیدا کرده و در مدت کوتاهی بسیاری از اصول و روش‌های غربی را با موفقیت با نظام خود تطبیق داده و هماهنگ ساخته است. از دهه ۱۸۷۰ به بعد ژاپنی‌ها نهضت غرب‌گرایی را به منظور رسیدن به ممالک صنعتی و پیشی گرفتن از آنها باید برنامه‌ریزی صحیح آغاز نموده، به انتقال نظام سیاسی، اقتصادی و قوانین جاری ممالک سرمایه‌داری را به ژاپن اقدام کردند. سیاست اقتصادی ژاپن بعد از انقلاب میچی بر پایه سیاست آلمان بنا نهاده و از سال ۱۸۶۹ سیاست حمایتی به مورد اجرا گذاشته شده بود. ژاپن همانند بسیاری از ممالک

یکی از عناصری که باعث پیشرفت و توسعه یک کشور می‌گردد، استقلال داشتن دولت آن کشور می‌باشد. چنانچه نهادهای حکومتی یک کشور از استقلال لازم برخوردار نباشند با کوچکترین اعتراض و هرج و مرجی از هم خواهد پاشید. از قرن ۱۶ میلادی روحانیون از صحنه سیاست کنار گذاشته شدند و دولت ژاپن از آغاز سلسله توکوگاوا توانست نقش مهم و سازنده در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایفا نماید. دولت توکوگاوا برای ابقاء حکومت خود سعی در کنترل شدید سران فئودال از طریق ساخت طبقاتی موروثی از جمله سامورایی، کشاورز، صنعت‌گر و تاجر نمود. ژاپن، در آن دوره برای حفظ استقلال خود در مقابل تهاجم کشورهای غربی، خود را در یک دوره انزوای ۲۰۰ ساله قرار داد و در آن مدت تلاش کرد تا زیرساخت‌های لازم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایجاد نماید. در دوره توکوگاوا، با برقراری فئودالیسم در ژاپن که به کاهش قدرت مرکزی (امپراتور) و تقسیم قدرت بین شوگون<sup>۱</sup> (فرمانده نظامی) و دایمو(لردهای فئودال) انجامید. لردهای فئودال بعد از انجام اصلاحات ارضی در دوره میچی دارایی‌های خود را از زمین به بخش صنعت جدیدالتاسیس انتقال دادند و منابع مورد نیاز را برای بسیج نیروهای تولید و صنعتی کشور مهیا کردند (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۴۴). از این حیث، دایموها<sup>۲</sup> خودمختاری سیاسی اندکی داشتند ولی در حوزه اقتصادی و امور داخلی ایالات به تقریب خودمختار بودند (رجب‌زاده، ۱۳۶۵: ۱۴۳-۱۴۱). اصلاحات ارضی ایجاد شده منجر گردید بسیاری از زارعان صاحب زمین شوند و طبقه‌ای از زمین‌داران کوچک ایجاد گردد. بعد از کاهش قدرت توکوگاوا به علت ضعف نظامی در مقابل خواسته‌های بلوک غرب، میچی رهبری را به دست گرفت و توانست بر اساس نهادهای ایجاد شده از دوره قبل گام‌های بلندی در توسعه کشور بردارد. انقلاب میچی، به هیچ عنوان انقلابی بورژوازی یا مترقی نبود و تا حد زیادی منازعه‌ای فئودالی و کهن میان قدرت‌های مرکزی و تیول‌ها بود (موتقی و حسن‌پور، ۱۳۹۹: ۱۷۵). نخبگان توسعه‌خواه، برای افزایش اقتدار دولت مرکزی درصدد تقویت تقدسی اقتدار امپراتور در سراسر کشور بودند. احیاء ایدئولوژی تقدس‌گرایانه توسط لیگارشی به سیاست نوسازی

۱. Shogun

۲. Daimyos



نظام‌های غربی به اروپا و آمریکا فرستاده شدند. دولت میجی، اغلب از طریق حمایت از بخش خصوصی نوظهور برای ساخت صنایع داخلی و بیرون راندن رقبای خود اقدام میکرد (اونو، ۲۰۰۵: ۴۵-۴۶). به باور فوکویاما آنچه موجب توسعه کشورهای همچون ژاپن گردید، ارجحیت دولت‌سازی بر پاسخگویی دموکراتیک است و دولت‌سازی، حاصل همکاری مشترک میان نیروهای اجتماعی و سیاسی است.

#### ۹- بستر بین‌المللی

با ورود کشتی‌های تجاری کشورهای غربی به بنادر ژاپن و عقد قراردادهای تجاری با آمریکا و متحدان آن در دوره توکوگاوا، ژاپن به معنای واقعی در سال ۱۸۵۸ وارد عرصه نظام جهانی شد. از آشنایی با علم و دانش غرب براین باور رسید که ابتدا باید روح تمدن جدید را گرفته، بعد به اخذ ظاهر آن بپردازد. جهت تحقق این هدف آنها ابتدا به تفسیر گذشته خود پرداختند تا آن را با توسعه تطبیق دهند و خود را با روزگار جدید هماهنگ کنند (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). ژاپن، در جست و جوی جامعه جدید، بدون ترس از تغییر و تحول دورنی خود، به بعضی از ارزش‌های غربی روی آورد، افکار لیبرال و سازمانهای نوع غربی را به خدمت گرفت. کشور ژاپن را می‌توان یک کشور باز تلقی نمود، چراکه با ایجاد ساختارهای هماهنگ، سازگار با نظام جهانی توانست تعاملات فرهنگی، رسانه‌ای و اقتصادی سازگاری ایجاد نماید و از آن طریق موفق گردید تا با ایجاد نهادهای فراگیر قدم در تاسیس دولت توسعه‌یافته نماید. ژاپن در جنگ جهانی اول، با توسعه تقاضا برای صنایع نظامی و صنایع سنگین، موجب جهشی عظیم در اقتصاد صنعتی ژاپن شد. ژاپنی‌ها با بهره‌گیری از فرصت پیش‌آمده، از طریق انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر به سمت محصولات صنایع جدیدی چون کالاهای برقی و هواپیماسازی و ... روی آوردند و به ارتقاء کیفیت محصولات خود پرداختند (حقیقی، ۱۳۹۴: ۳۳۷). بعد از بمباران هیروشیما و ناکازاکی<sup>۳</sup> توسط آمریکا در جنگ جهانی دوم، ژاپن برای حفظ سایر بسترهای اقتصادی خود سیاست تسلیم را انتخاب کرد. بعد از شکست، ژاپن روند اصلاحات را برگزید و به سرعت با حذف هزینه‌های دفاعی خود، اقدام به ایجاد بنگاه‌های اقتصادی

صنعتی توسعه اقتصادی را با دگرگونی در کشاورزی آغاز نمود. دولت با واگذاری زمین‌ها به کشاورزان، سعی نمود دهقانان مالک زمین‌هایی باشند که بر روی آنها کار می‌کنند. دولت بعد از اصلاحات اولیه در کشاورزی و با استفاده از پس اندازهای مردم به توسعه صنایع پرداخت. توسعه صنایع مصرفی به ویژه صنایع نساجی در درجه اول اهمیت قرار گرفت. این صنایع از دوران سلسله توکوگاوا به ارث رسیده بود. بعد از نساجی، صنایع سنگین مورد توجه دولت بود. دولت ژاپن به اهمیت ساختمان زیربنایی کشور در توسعه اقتصادی به خوبی واقف بود. به همین جهت، به نصب و راه اندازی راه‌آهن بین شهرهای مهم اقدام نمود. راه آهن توکیو به یوکوهاما، در سال ۱۸۷۲ با سه میلیون دلار وام از انگلستان کشیده شد و سپس به شهرهای دیگر وصل گردید. یکی از اثرات مهم توسعه اقتصادی و اجتماعی مهم ژاپن، رشد طبقه متوسط جدید بود که بیشتر با سواد و مطلع بودند و اهمیت سیاسی و اجتماعی پیدا کردند (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۹۸). دولت میجی، اولویت را به صنایع راهبردی داد، شرکت‌های بزرگ خوشه‌ای (زای‌باتسوها) توسط بخش خصوصی و با حمایت‌های دولت شکل گرفت و در همه بخش‌های اقتصاد، با اقتدار شروع به فعالیت کردند (حقیقی، ۱۳۹۴: ۳۳۶). اصلاحات میجی به طور کلی در چند محور مهم به شرح ذیل انجام و موجب بهبود نظام بروکراتیک برجای مانده از دولت توکوگاوا گردید:

- ❖ اصلاحات ساختاری و ایجاد حکومت نوین به سبک و سیاق کشورهای غربی اما بر مبنای فرهنگ ژاپنی
  - ❖ اصلاحات ارضی و مالیاتی
  - ❖ اصلاحات و نوسازی در زمینه نظامی
  - ❖ ایجاد زیرساخت‌های مناسب حمل و نقل
  - ❖ تاسیس و گسترش نظام آموزشی
  - ❖ اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی
- اجرای برنامه‌های اقتصادی، بعد از بهبود صنایع نظامی و جنگی انجام گرفت. نخبگان ژاپنی دریافتند، بودن، برای قدرتمند شدن تنها ایجاد ارتش کافی نیست. از این رو، گروهی از هیئت دولت به مدت دو سال جهت مطالعه فناوری و سایر

3. Nagasaki

1. Zaibatsu  
2. Hiroshima





رسیدند. از مهمترین ویژگی‌های امیرکبیر در زمان ناصرالدین شاه می‌توان به نوآوری در راه نشر فرهنگ و صنعت جدید، پاسداری هویت ملی و استقلال سیاسی ایران در مقابله با تعرض غربی، اصلاحات سیاسی مملکتی و مبارزه فساد اخلاق مدنی اشاره نمود. امیرکبیر دریافته بود که راه‌هایی از چنگ غرب، قوی‌شدن و صنعتی‌شدن و بی‌نیاز شدن در تمام زمینه‌ها است (رضاقلی، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۳). از مهمترین محوری‌ترین اقدامات امیرکبیر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ❖ تاسیس دارالفنون و گسترش نظام آموزشی
- ❖ اعزام صنعتگران و هنرآموزان به کشورهای همسایه و اروپایی برای یادگیری مهارت و فنون تازه
- ❖ انجام اصلاحات و نوسازی در زمینه‌های فرهنگی
- ❖ اصلاح امور اداری و تشکیلات سازمانی
- ❖ اصلاحات در زمینه‌های اقتصادی و ایجاد صنایع جدید
- ❖ ایجاد صنایع ملی از طریق احداث کارخانه‌های مختلف از جمله پارچه‌بافی، شکرریزی، چینی و بلورسازی ... و استخراج معادن

❖ قاعده‌مندسازی حقوق و مستمری درباریان، دیوانیان، روحانیون و شاهزادگان

امیرکبیر بر ایجاد حکومت متمرکز و قوانین مناسب برای تعیین حقوق حاکمان و مردم تأکید داشت (سریع القلم، ۱۳۹۰: ۱۸-۲۷). از آنجا که اقدامات انجام شده توسط وی موجب ایجاد تحرکات تأمل‌انگیزی در اقتصاد ایران ایجاد گردد و از سویی هم خیلی به مزاج درباریان وقت خوش نیامد، از این جهت، ترتیبی دادند تا ناصرالدین شاه دستور قتل وی را صادر نماید. بعد از امیرکبیر، اصلاحات و نوسازی جدی توسط میرزا حسین خان سپهسالار اتفاق افتاد. اولین اصلاحات تأثیرگذار وی، تاسیس دولت منظم بر پایه قانون استوار بود (آدمیت، ۱۳۹۲: ۱۷۳). از دیگر کوشش‌های مهم ایشان می‌توان به رشد و پیشرفت اقتصادی از طریق تاسیس چند کارخانه اسلحه‌سازی در و مهمات جنگی و کارخانه چدن‌ریزی در سال ۱۲۹۲ در تهران اشاره نمود (آدمیت، ۱۳۹۲: ۳۲۰-۳۱۹). اما از آنجا که خیلی‌ها با این رویه موافق نبودند؛ دوره صدرات سپهسالار هم خیلی طول نکشید و ایشان را عزل نمودند. اصلاحات و نوسازی در ایران، برخلاف ژاپن به صورت

قدرتمند زد و در سال ۱۹۸۰ به یکی از صادرکنندگان برجسته تبدیل شده بود. همچنین برای اینکه ارتباط خود را با بازارهای جهانی داشته باشند، تلاش‌های زیادی برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و ... انجام دادند. از این طریق، در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، ژاپن از موقعیت پیرامونی خارج و در نهایت به یک بازیگر بین‌المللی تبدیل شد.

#### ۱۰- تحلیل مولفه‌های دولت توسعه‌گرا در ایران:

علی‌رغم تلاش‌ها و تحولات چشمگیر انجام شده طی دهه‌های اخیر، اقتصاد ایران، هنوز با مسائل و مشکلات فراوان مواجه است. سرآغاز توسعه اقتصادی و اجتماعی خود تحول سیاسی است که با ایجاد ساختار قدرت مناسب، مسیر را برای سایر موضوعات هموار می‌کند. با اغماض می‌توان گفت که تمامی مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران ریشه در تاریخ دارد. بنابراین، در این پژوهش می‌کوشیم تا از منظر مولفه‌های دولت‌های توسعه‌گرای آدریان لفت‌ویچ به بررسی برخی از پارامترها و موانع توسعه اقتصادی ایران بپردازیم:

#### ۱۱- نخبگان توسعه‌خواه

در زمان حکومت دودمان قاجار به ویژه در پی شکست ایران از روسیه قشر فرهیخته ایران به دنبال کشف علل عقب‌ماندگی ایران از کشورهای اروپایی بودند. یکی از کسانی که بر این امر اصرار داشت عباس میرزا بود، زیرا وی شاهد شکست خود به علت عقب‌ماندگی فناوری بود. از مهمترین شخصیت‌های ایرانی موثر بر جریان روشنفکری ایرانی می‌توان به عباس میرزا، امیرکبیر، سپهسالار، میزا فتحعلی آخوندزاده و ... اشاره دارد. نخبگان در ایران را می‌توان در چهار دسته اصلی (۱) اقتصادی (تجار، زمین‌داران، دربار) (۲) سیاسی (شاه و سران قبایل) (۳) اجتماعی (روحانیون) (۴) فرهنگی (روشنفکران و روحانیون) در قرن ۱۹ تقسیم‌بندی نمود. قائم‌مقام فراهانی توسط توطئه‌گران دربار قاجار و محمدشاه و امیرکبیر هم به دستور ناصرالدین شاه به قتل رسیدند و افرادی چون مصدق در زمان پهلوی اول توسط سازمان سیا و پهلوی با یک کودتا از مسند قدرت به زیر کشیده شدند. نخبگانی همچون افراد نامبرده که به فکر دغدغه‌های ایران و برای رفع آنان در مقابل حکومت مرکزی وقت قد علم کرده بودند، کم‌نبوده‌اند ولی در نهایت توسط حاکمان آن دوره تبعید و یا در نهایت به قتل

نظام‌مند انجام نشد. در ایران، به دلیل ایجاد چندپارگی‌های اجتماعی هیچگاه نتوانست به یک وحدت و وفاق ملی همیشگی دست یابد. در برهه‌ای از زمان جریان‌های همسو میان دولت-ملت پدید آمد اما آن هم خیلی طول نکشید و اوضاع احوال به گونه دیگر رقم خورد. به قول جان فوران<sup>۱</sup> جامعه ایرانی را می‌توان یک جامعه شکننده نامید چراکه عدم همراهی عشایر و ایلات در سازماندهی نیروهای نظامی در ادوار مختلف تاریخ، عدم مشارکت تجار و نیروهای اجتماعی با نخبگان توسعه‌خواه در مسیر دولت‌سازی، قرار نداشتن نیروهای اجتماعی مدرن و سنتی در کنار نخبگان دیوان‌سالار توسعه‌گرا، موجب گردید تا همیشه یک خلاء جدی میان مردم و نخبگان توسعه‌خواه از یک سو و از سوی دیگر میان نخبگان توسعه‌خواه و دولت وجود داشته باشد. به طور کلی، فرهنگ سیاسی الیت، محیط ذهنی و نگرشی است که در درون آن نظام سیاسی عمل می‌کند و فرهنگ سیاسی الیت در ایران، همواره فرهنگی پاتریمونیالیستی بوده که ریشه در تاریخ استبداد شرقی و سلطه طبقات حاکمه قدیم در ایران دارد (بشریه، ۱۳۹۸: ۳۰). فرهنگ سیاسی ایران به دلایل مختلف و پیچیده، فرهنگ تابعیت در مقابل فرهنگ مشارکت بوده است و مجاری جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری روی هم رفته اینگونه فرهنگ را تقویت می‌کرده‌اند (بشریه، ۱۳۹۸: ۱۵۷-۱۵۰). نهایتاً اینکه در ایران، نیروهای سنتی و مدرن پاسخگویی دموکراتیک را ارجحیت بر دولت‌سازی قرار دادند و به همین دلیل هیچگاه نتوانستند بر روی مدار توسعه‌یافتگی قرار گیرند.

## ۱۲- استقلال نسبی دولت

در عصر قاجار، قدرت طبقه بالا به وابستگی خاندان سلطنتی، احراز مناصب دیوانی و تملک اراضی بستگی داشت. طبعاً میان اشرافیت با طبقه حاکمه بر سر همین منابع سه‌گانه قدرت منازعه و رقابت پدید می‌آمد. با توجه به ماهیت استبداد ایرانی، قسمت عمده‌ای از اراضی متعلق به حکومت به شمار می‌رفت و حکومت نیز اغلب این اراضی را به مقطعان و تیولداران واگذار می‌کرد. در طی قرن نوزدهم مالکیت خصوصی بر زمین به علت ضعف حکومت گسترش یافت و در نتیجه پراکندگی در

منابع قدرت سیاسی بیشتر شد (بشریه، ۱۳۹۸: ۵۲). نظام فئودالی به معنای واقعی شرقی و غربی در ایران پدید نیامد و از سوی دیگر هم حکومت قاجار نتوانست با تمرکز یک نظام اداری و سیاسی ایجاد کند اما از لحاظ داخلی در برخی نقاط ایل‌نشینان همچون ممالک مجزایی به نظر می‌رسیدند (بشریه، ۱۳۹۸: ۵۵). در ایران نحوه مالکیت زمین به گونه‌ای بود که منجر به تمرکز قدرت در دست دولت می‌شد. بر اساس یک باور مذهبی گفته می‌شد که همه زمین‌ها متعلق به شاه است. او به تشخیص خود می‌توانست زمین‌ها را افراد مورد نظر واگذار و یا به اداره خود از هر زمین داری سلب مالکیت کند. با چنین اعتقادی، هیچ وقت در ایران فئودال‌های بزرگ با مالکیت پایدار زمین که املاک او از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا کند به وجود نیامد. در نتیجه، در آغاز دوره صنعتی شدن کشور، در ایران بر خلاف ژاپن، صاحبان سرمایه‌ای که بتوانند با انتقال دارایی‌های خود به بخش صنعت زمینه ساز رشد صنعتی کشور شوند وجود نداشت (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۴۵). در ایران، خدمات دولتی، وسیله‌ای برای به دست آوردن زمین‌های بیشتر بوده است که توسط حاکمان به افراد نزدیک به آنان اعطاء می‌شد. انقلاب مشروطه در بستر تاریخ سیاسی ایران، مبین پایان دادن به عصر استبداد سنتی بود و نهادهای برآمده از جنبش مشروطیت یعنی قانون اساسی، مجلس شورای ملی و نیز هیئت پنج نفره روحانیون در مجلس به دنبال تبدیل قدرت سیاسی خودکامه به قدرت مقید به قانون بودند. مشروطیت از یک سو در پی وضع حدود و قیود قانونی بر شیوه اعمال قدرت بود ولی از سوی دیگر به ایجاد ساختار سیاسی دولت ملی مدرن و متمرکز از طریق افزایش کمیت قدرت ملی نظر داشت (بشریه، ۱۳۹۸: ۶۶-۶۳). در ایران به دلیل فقدان تمرکز قدرت و استقلال نسبی دولت در ادوار تاریخ، موجب ایجاد بی‌نظمی در داخل گردید و از جانب دیگر، زمینه را برای نفوذ و تصمیم‌گیری اجنبی‌ها فراهم ساخت. حکومت رضاشاه به عنوان نتیجه مبارزات قدرت در دوران پس از انقلاب مشروطه فصل تازه‌ای در تاریخ سیاسی ایران ایجاد کرد. دولت رضاشاه، نخستین دولت مدرن مطلقه در ایران بود و با آنکه برخی از ویژگی‌های آن ریشه در گذشت داشت، اما

2. Elite

1. John Foran



نمی‌دادند. در نبود نهادهای قدرتمند و قوانین لازم جهت پشتیبانی از کسب و کار آزاد و امنیت سرمایه، کسب و کار مستقل رونق نیافت و بازارهای داخلی گسترش پیدا نکرد (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۴۸). نظم سیاسی و بوروکراسی با تاسیس دولت مدرن و توسعه‌یافته رابطه دارد. در ایران ارجحیت پاسخگویی دموکراتیک نسبت به دولت‌سازی منجر به بی‌نظمی‌های سیاسی و عدم توسعه ایران دوره قاجاریه و پهلوی شد (حاجی ناصری و جباری، ۱۳۹۹: ۷۱). در کشورهای توسعه‌نیافته‌ای همچون ایران به دلیل داشتن سیستم سنتی و پدرسالارانه (پاتریمونالیستی)، دولت بر مبنای روابط شخصی است و گزینش کارکنان و ارایه سایر موارد محوله به افراد بر اساس وفاداری به شخص حاکم و یا مسئولان ذیربط می‌باشد. از ویژگی‌های ساختار پاتریمونالیستی، قدرت تحرک شدید طبقاتی است. به عبارت دیگر، امکان داشت کسی که در خانواده سطح پایین در دربار به پست بالایی دست یابد و یا هم فردی می‌توانست با نزدیک شدن به شاه، صاحب منصب، قدرت و ثروت شود و حتی همین نزدیکی موجب از دست دادن همه چیز وی گردد (چلبی و عظیمی، ۱۳۸۷: ۳۰). این سیستم از زمان قاجار و یا حتی در دوران پهلوی و یا حتی دوره کنونی نیز به گونه‌های مختلف قابل مشاهده می‌باشد. با فروپاشی نظام مطلقه رضاشاه، کار تجدید و بازسازی دولت تا سال ۱۳۴۰ به طول انجامید. طبعاً عامل اصلی تجدید مبنای دولت مطلقه دربار سلطنتی بود که در طی دوران دهه ۱۳۲۰ به تدریج رقبای سیاسی را یکی‌یکی پس از دیگری از صحنه خارج کرد. در ده ساله اول (۱۳۲۰-۳۰)، دربار سلطنتی قدرت چندانی نداشت و بسیاری از امتیازات قدرت خود را از دست داد. برخلاف گذشته مجلس به جای دربار کار تعیین وزرا به عهده گرفت (بشیریه، ۱۳۹۸: ۷۹-۷۸). دولت مطلقه مدرن در ایران به دلایل تاریخی دست به انجام تغییرات و اصلاحاتی در برخی از حوزه‌های زندگی اجتماعی زد و انجام چنین تغییراتی نیازمند بوروکراسی<sup>۲</sup> به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای قدرت بود. مبنای این بوروکراسی چنانکه در دوران رضاشاه شکل گرفت و با تجدید ساخت قدرت مطلقه و آغاز اصلاحات در دهه ۱۳۴۰ تمرکز اداری شدت یافت. دولت

نظام سیاسی جدیدی به شمار می‌رفت. حکومت رضاشاه با متمرکز ساختن منابع و ابزارهای قدرت، ایجاد وحدت ملی، تاسیس ارتش مدرن، تضعیف مراکز قدرت پراکنده، اسکان اجباری و خلع سلاح عشایر، ایجاد بوروکراسی جدید و اصلاحات مالی و تمرکز منابع اداری، مبنای دولت مدرن را به وجود آورد (بشیریه، ۱۳۹۸: ۶۸). دولت رضاشاه، از حیث رابطه با طبقات و نیروهای اجتماعی دولت ضعیفی بود و نتوانست ارتباط مناسبی میان دولت و ملت برقرار سازد (بشیریه، ۱۳۹۸: ۷۵). دولت پهلوی دوم هم برای افزایش تمرکز قدرت خود بعد از کودتای سال ۱۳۳۲، برنامه اصلاحات ارضی و انقلاب سفید را اجرا نمود و برای کنترل ملاکین و مقابله با جنبش احتمالی، بسیاری از اراضی آنان در اختیار دهقانان قرار گرفت (حاجی ناصری و جباری، ۱۳۹۹: ۸۸). بعد از انقلاب اسلامی، در دوره‌های اول مجلس، همدلی خوبی میان نیروهای دولتی و اجتماعی وجود داشت، اما متأسفانه بعد از گذشت چند دوره، دولت و ملت اندک اندک از هم فاصله گرفتند و حتی در حال حاضر شاهد آن هستیم، با وجود یک مشکل در سطح کشور، با یک اجماع چند روزه میان مجلس، دولت مجبور به وضع قانون جدیدی خواهد شد و این نشان دهنده آن است که هنوز ثبات سیاسی مناسبی در دولت ایران وجود ندارد و متزلزل می‌باشد.

### ۱۳- دیوان‌سالاری قدرتمند

بر اساس مطالعات انجام شده، تفاوت عمیق و اساسی میان نظام اداری و بوروکراسی ایران با کشور توسعه‌یافته ژاپن وجود دارد. نظام سیاسی قدیم ایران به ویژه در دوران قاجاریه مبتنی بر وجود نوعی تکثر و پراکندگی در منابع قدرت بود. در واقع قدرت سیاسی ایران متفرق بود. از حیث نظری، در نظام سنتی ایران، پادشاه دارای عالی‌ترین منصب قدرت سیاسی مشروع بود و تمام اختیارات به دست ایشان و مالک سرزمین و کل اموال به شمار می‌رفت (بشیریه، ۱۳۹۸: ۴۶-۴۲). در ایران نه تنها فعالیت‌های تولیدی مورد حمایت دولت قرار نگرفت، بلکه در نبود نظارت و حاکمیت قانون، صاحبان سرمایه از ترس مداخلات ماموران دولتی و ضبط اموال و یا گرفتن مالیات‌های سنگین و بی حساب، علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری نشان

2. Bureaucracy

1. Patrimonialism



پهلوی به منظور ایجاد تمرکز و کنترل مرکزی فزاینده، سازمان‌های موازی با صلاحیت و مسئولیت‌های متداخل ایجاد می‌کرد. از لحاظ نظری، دولت پهلوی پارلمانی و دارای قوه مقننه‌ای مستقل تلقی می‌شد اما در واقع دستگاه اجرایی نیرومند آن دولت فارغ از هرگونه دخالت واقعی قوه مقننه بود. در واقع مجلس شورای ملی در اخذ تصمیمات مهم نقش نداشت (بشیریه، ۱۳۹۸: ۹۵). روی هم‌رفته دولت مطلقه در زندگی اقتصادی دخالت و فعالیت آشکار داشته است. به طور کلی می‌توان نشان داد با توجه به ساخت عقب‌مانده اقتصاد سنتی ایران، دوره‌های تکوین ساخت دولت مطلقه مصادف با دوره‌های افزایش دخالت در اقتصاد و رشد اقتصادی بوده است (بشیریه، ۱۳۹۸: ۱۱۹). تلاش‌های انجام در پهلوی اول و دوم برای تشکیل دولت مدرن ظاهراً موفقیت آمیز بود اما در عمل با دولت مدرن مورد نظر وبری بسیار فاصله داشت. یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی ایران، پاسخگو نبودن نهادهای قدرتمند است (ناعم و یعقوب‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۲).

#### ۱۴- بستر بین‌المللی

توسعه یافتگی ایران بدون همکاری‌های بین‌المللی امکان پذیر نیست و عدم حل و فصل تعارض فلسفی و سیاسی ایران با مجموعه غرب هم، روند توسعه‌یافتگی را به عقب خواهد انداخت. بدون فراگیری از جهان خارج از ایران نیز، نمی‌توان عقلانیت را بسط داد و آنها را نهادینه کرد (سریع‌القلم، ۱۳۹۸: ۲۸). در زمانیکه ژاپن، دانشجویان، صنعتگران، هنرآموزان خود را برای فراگیری علم، فنون مختلف و یا برای آشنایی بیشتر به افکار و فلسفه جدید به اروپا می‌فرستاد، در ایران، به دستور ناصرالدین شاه، کتب فلسفی نویسندگانی نظیر دکارت را سوزاندند تا ایرانیان با افکار آزادی خواهی و حکومت قانون آشنا نشوند. حتی در زمان افتتاح دارالفنون دستور داد تا کتب سیاسی و مطالب راجع به انقلاب فرانسه نباید توسط محصلان مطالعه گردد. مخالفان آزادسازی اقتصاد در ایران بر این باورند که تئوری‌های اقتصادی غرب در ایران کاربرد ندارد (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۶۹). یکی از مسائل مهم توسعه‌یافتگی، جهانی شدن است و سرعت در این مسئله بسیار حائز اهمیت است. یعنی سرعت طرح تقاضاها و تبدیل این تقاضاها به داده‌ها. حتی دولت‌های قوی، ظرفیت محدودی در تبدیل این خواسته‌ها به سیاست دارند چه برسد کشورهای توسعه نیافته

#### ۱۵- یافته‌های پژوهش:

مفهوم توسعه یک مفهوم بسیط است که می‌توان از جنبه‌های مختلف به آن نگاه کرد. شاخص ترکیبی توسعه نمایشگری است که به صورت کلی شامل موارد فرهنگی، فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌گردد، اما آنچه بیشتر در این پژوهش سعی شده است تا بر بروی آن تمرکز گردد



(مدنی، ۱۳۷۴: ۱۰۹-۱۰۲) و در ایران حدود ۶۰ سال بعد کشیدن راه آهن آغاز گردید.

در دوران توکوگاوا و حتی میجی، دولت به اهمیت صنعت کشاورزی در توسعه کشور پی برد و به توسعه آبیاری، احیای زمین‌ها، کشیدن جاده و کمک‌های دیگر به کشاورزان را آغاز کرد. اما در ایران، با وجود اخذ مالیات‌های کلان، اقدامی در جهت اصلاح سیستم کشاورزی و رفاه کشاورزان انجام داده نشده بود و گفتنی است که در آن هنگام تنها یک سوم مالیات‌های وصولی به خزانه دولت واریز می‌شد و بقیه به جیب مامورین دولتی و حکام ولایات سرازیر می‌شد (مدنی، ۱۳۷۴: ۳۵).

صنعت نساجی ژاپن، بازهم نظیر اکثر کشورهای آسیایی پس از انقلاب صنعتی زیر سلطه واردات ارزان قیمت و با کیفیت بالای پارچه از انگلیس بود که ظرف دو دهه در دوره میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲) این صنعت متحول شد (نقی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۰). حال آنکه در دوران قاجار پس از اینکه امیرکبیر (۱۸۴۸-۱۸۵۱) پای بر عرصه مدیریت کشور نهاد، در زمینه نساجی کارهای بزرگی انجام گردید. یک کارخانه بزرگ نخ‌ریسی و یک کارخانه بزرگ چلواربافی در تهران و چند کارخانه حریر بافی در کاشان و یک کارخانه ریسندگی در ساری راه اندازی نمود. اما متأسفانه بعد از قتل امیرکبیر سیل واردات منسوجات به طرف بازارها سرازیر شد و وقفه زیادی در صنعت نساجی افتاد تا اینکه در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) اولین کارخانه نساجی ایران به دستور رضاشاه و با حمایت بخش خصوصی در شهر اصفهان تاسیس گردید.

روند توسعه صنعت داروسازی ژاپن را می‌توان به پنج دوره تقسیم بندی نمود. دوره اول، شامل عصر فئودالیسم توکوگاوا تا تحولات میجی. دوره دوم، پس از شروع عصر میجی تا جنگ جهانی اول است که شرکت‌های ژاپنی اقدام به واردات داروهای غربی کردند. دوره سوم، شامل دورانی بین جنگ جهانی اول و دوم است. دوره چهارم، شامل دوران پس از جنگ جهانی دوم و رشد سریع تا سال ۱۹۶۰ است که شرکت‌ها در جریان سال‌های رشد سریع به واردات تکنولوژی از طریق عقد قراردادهای دریافت مجوز و پروانه ساخت از شرکت‌های غربی

برخی از شاخص‌های اقتصادی صورت گرفته در ژاپن و ایران است که به صورت معدودی به آن اشاره می‌گردد.

اولین تلاش‌ها برای صنعت فولاد به کمک تکنولوژی غرب در دوران فئودالیسم و دوران توکوگاوا، در اواسط قرن ۱۹ در دهه ۱۸۵۰، و پنجاه سال قبل از تاسیس کارخانه فولاد یاواتا در عصر میجی آغاز شد. یاواتا که ساخت آن در سال ۱۹۰۱ به پایان رسید و بهره‌برداری کامل آن در سال ۱۹۰۵ انجام گردید، دارای دو ویژگی خاص است؛ اول آنکه دولت سرمایه‌گذار اصلی آن بود و ثانیاً این صنعت به واردات تکنولوژی از غرب وابستگی شدید داشت (نقی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۷). این درحالی است صنعت فولادسازی در ایران به زمان صدرات امیرکبیر (۱۸۴۸-۱۸۵۱) بازمی‌گردد و تکنولوژی آن هم از فرانسه به ایران وارد شد اما متأسفانه با قتل امیرکبیر این پروژه متوقف گردید (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۱۲) و کار به جایی پیش نبرد. حتی تلاش‌های افرادی چون محمدحسن امین‌الضرب در سال ۱۲۶۶ (۱۸۸۷)، مسیو هارتمان در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) و مسیو مارتن در سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹)، رضاشاه در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) نیز نتیجه بخش نبود و در نهایت این موضوع توسط محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) مجدد پیگیری و در سال ۱۳۵۰ نخستین کارخانه ذوب‌آهن ایران نصب گردید و رسماً از سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) تولید خود را شروع کرد (موسوی، ۱۴۰۰: ۳۱۲).

در سال ۱۹۰۱، در کشور ژاپن ۸۸ درصد جوانان از آموزش رایگان و همگانی برخوردار بودند ولی در آن زمان در ایران اکثریت در اوج بی‌سوادی بودند و اینکه اولین مدرسه دخترانه ژاپن در سال ۱۸۷۲ در توکیو ساخته شد و این درحالی است که در ایران حتی تا نیم قرن بعد از آن دولت اندیشه تاسیس مدرسه برای دختران را در ذهن خود راه نداده بود (مدنی، ۱۳۷۴: ۹۹).

از آنجاییکه پایه و اساس توسعه هر کشوری را ساختمان زیربنایی آن مانند راه‌آهن، بنادر و راه‌ها تشکیل می‌دهد. در ایران تا سال ۱۲۷۹ (۱۹۰۰)، فقط ۱۳۰۰ کیلومتر مسیر قابل استفاده وجود داشت و قبل از آن همه مال‌رو بودند اما در ژاپن تا سال ۱۸۹۵ حدود ۲۴۰۰ کیلومتر راه‌آهن کشیده شده بود

۱. Yawata

علی‌رغم محدوده زمانی انتخاب شده در پژوهش حاضر (نیمه دوم قرن نوزدهم)، بر مبنای تحقیقات صورت گرفته در سال ۲۰۲۱، شاخص اقتصادی ژاپن ۶۵/۷۹ و ایران ۴۱/۸۲ برآورد شده است (درخشان و شعبانی، ۱۴۰۱: ۳۲-۲۷) که این آمار خود نشان دهنده میزان تفاوت فاحش در سطح و نگرش مدیریتی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری مدیران و استفاده از نخبگان شایسته چه در آن دوران (۱۸۵۰-۱۹۰۰) و چه در زمان حال در دو کشور ایران و ژاپن می‌باشد.

#### ۱۶- بحث و نتیجه‌گیری:

بی‌شک عوامل مختلف داخلی و خارجی بسیاری در واپس‌ماندگی ایران در مقایسه با ژاپن از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش اساسی دارند. براساس موارد مطرح شده، می‌توان اینطور اذعان کرد که دولت ایران در عرصه‌های تاریخی، دولتی ضعیفی بوده است و بی‌ثباتی سیاسی حاصله در هر زمان رشته توسعه اقتصادی و رهاوردهای ناشی از آن را مختل ساخته است. بنابراین علت یا علل عدم پیشرفت ایران در مقایسه با ژاپن بر اساس تفکرات غالب رهبران و جامعه ظرف ۱۵۰ سال گذشته شکل گرفته و در سال‌های اخیر هم تشدید پیدا کرده است.

از وجه تمایز این مقاله نسبت به سایر مقالات می‌توان اینطور بیان داشت که در این پژوهش بر اساس مولفه‌های سیاسی لغت‌ویج (استقلال نسبی، نخبگان توسعه‌خواه، دیوان‌سالاری قدرتمند، بستر بین‌المللی) گردآوری انجام و یک مدل نظری تدوین شده است، در حالی که در سایر مقالات مشابه از جمله عطار (۱۳۸۸)، حقیقی (۱۳۸۴)، پژوهش‌ها به صورت تاریخی انجام شده است و مدل نظری خاصی ارائه نگردیده بود. در این مقاله نسبت به پژوهش حاجی ناصری و جباری (۱۳۹۹)، به صورت بیشتر به ارائه و مقایسه برنامه‌های توسعه اقتصادی در بازه زمانی مذکور در بخش تحلیل یافته‌ها پرداخته و از ارائه موارد تاریخی حدالامکان پرهیز گردید. در این پژوهش برخلاف مقاله عطار (۱۳۹۵)، ترجیح داده شد تا به بررسی دو کشور (ایران و ژاپن) به جای پنج کشور (ایران، ژاپن، کره

روی آوردند. مرحله پنجم، شامل دوران بعد از دهه ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۹۰ است که بنگاه‌های ژاپنی با جدیت به تحقیقات و توسعه برای تولید دارو و نوآوری پرداختند (نقی زاده، ۱۴۰۰: ۲۳۸). از سوی دیگر، با توجه به وضع اسفبار بهداشتی حاکم بر جامعه در دوره‌ی قاجار و نیز شیوع بیماری‌های همه‌گیر، در دوره‌ی ناصرالدین شاه و به همت امیرکبیر، مدرسه دارالفنون (۱۸۸۹) تأسیس شد. دروس داروسازی توسط یک معلم خارجی به همراه مترجم تعلیم داده می‌شد. در اولین سال تأسیس دارالفنون شاگردان رشته داروسازی ۷ نفر بودند و به تدریج بر عده‌ی آنان افزوده شد و در سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) به ۳۳ نفر رسید (منظورالاجداد، ۱۳۹۰: ۳۲) و در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) مدرسه عالی طب شعبه داروسازی تأسیس شد و با آغاز کار دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴)، مدرسه عالی طب به دانشکده پزشکی، دندانسازی و داروسازی تبدیل شد (محبوبی، ۱۳۵۰: ۳۶۲-۳۶۵). علی‌رغم رشد نسبی هنوز مشاهده می‌شود در شرایط نه چندان بحرانی هم با کمبود دارو و یا تجهیزات مواجه هستیم.

تا اواخر دوران میجی، در سال ۱۹۱۰، چندین بار تلاش‌هایی از سوی کارآفرینان برای ساخت خودرو انجام شد ولی نتیجه‌ای نداد. تا اینکه در سال ۱۹۱۴، هاشیموتو توانست با آزمون و خطا، اولین خودرو را با قدرت ۱۰ اسب بخار تولید کند و آن را به نام دات نامگذاری کرد (نقی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۶۶)، هرچند واردات خودرو نیز رواج داشت و تا سال ۱۹۲۰ به ۶۱۰۰ دستگاه رسیده بود. اما در ایران، دو خودرو در زمان صدرات مظفرالدین شاه (۱۸۹۶-۱۹۰۵) پس از بازگشت ایشان از فرانسه به ایران آورده شدند که اولین خودرو در مسیر برگشت خراب و دومی هم گهگاهی در میدان مشق تهران به حرکت درمی‌آمد (موسوی، ۱۴۰۰: ۳۱). صنعت خودروسازی به معنای واقعی در ایران در زمان پهلوی دوم توسط برادران خیامی با مونتاژ کاری شروع و در دهه ۴۰ (۱۹۶۰) به اوج خود رسید که البته بعد از انقلاب اسلامی تمامی اموال برادران خیامی به علت وابستگی به نظام شاهنشاهی مصادره گردید. درمصادق‌هایی که گذشت تلاش شد تا تعدادی از شاخص‌های اقتصادی صورت گرفته مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد.



سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و تا این آنومی برطرف نشود و نظام حکومتی به یک ثبات قابل قبول دست پیدا نکند، موفق نخواهد شد. درحالیکه کشورهایی چون ژاپن از اصول مهمی همچون دولت (نظام حکومتی) حداقلی، توجه به علم و عقلانیت در امور، به کار بستن سیاست خارجی همه‌جانبه، توجه به بخش خصوصی، ایجاد یک نظام آموزشی قوی و منسجم و از همه مهمتر شفافیت، مسئولیت‌پذیری و دولت پاسخگو برخوردارند. درحالیکه در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران این اصول هنوز به معنای واقعی خود شکل نگرفته است و یا اگر هم به وقوع پیوسته به صورت موقت و کوتاه مدت بوده است. نخبه‌گرایی به معنای نخبه‌سالاری نیست بلکه به معنای ورود بهترین‌ها، با سوادترین‌ها و حتی چشم و دل سیرترین افراد به عرصه سیاست است. پس شایسته است کشورهای در حال توسعه همچون ایران این گزینه را در اولویت خود قرار دهند و از تمام ظرفیت‌های علمی و کارآمد خود بهره‌مند شوند. از راه‌های برون‌رفت ایران از وضعیت موجود روی آوردن وفاق جمعی، استفاده از نخبگان توسعه‌خواه، ساخت سیاسی باثبات بر مبنای بوروکراسی و نظام دیوان‌سالاری وبری، ایجاد یک دولت مستقل و مقتدر و تدوین شیوه‌نامه‌های کارآمد برای برقراری ارتباط با نظام جهانی می‌باشد.

ژاپن، با ایجاد یک بوروکراسی قوی در نهاد دولت توانستند به بسیاری از امورات داخلی خود نظم و نظام دادند و با تاسیس وزارتخانه‌های مهم و کاربردی کشورشان را به سوی توسعه-یافتگی هدایت کنند. ژاپن با بهره‌گیری از افراد توانمند از دوره توکوگاوا در نهاد دولت، افراد مفسد را از نهاد دولت بیرون کرد و توانست زمینه را برای صنعتی شدن مهیا سازد. این در حالی است که ایران، در طول ادوار تاریخی از ثبات سیاسی خوبی برخوردار نبوده است و قابلیت و توانایی لازم در اجرای برنامه‌های توسعه را نداشته است و همواره میان ملت و دولت چه در دوران قبل و چه در دوران بعد از انقلاب اسلامی شکاف زیادی وجود داشته است. ایران، برخلاف ژاپن از استقلال نسبی و دیوان‌سالاری خوبی برخوردار نبوده و نیست و بعضاً با وجود آمدن برخی از مشکلات، آنها را به صورت موقت حل و فصل می‌نماید.

جنوبی، چین و هند) پرداخته شود تا با تمرکز بیشتر بر روی مولفه‌های مورد نظر، بحث مقایسه توسعه اقتصادی بهتر انجام گردد. علی‌رغم اینکه در مقاله موثقی و حسن پور (۱۳۹۹) یک مدل نظری ترکیبی آرایه گردیده بود و ساختارهای نهادی پدرسالاری، فنودالیسم و مولفه‌های دیگری نظیر نخبه‌گرایی، استفاده از بخش خصوصی در آن اشاره شده بودند، در این مقاله به صورت مفصل به بررسی و تبیین چهار مولفه اساسی لفت‌ویچ و تاثیرات آن‌ها در توسعه و یا عدم توسعه‌یافتگی در دو کشور مورد مطالعه پرداخته شده است. از این رو، بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان اینطور اذعان داشت که این جستار از حیث گردآوری اطلاعات و مدل نظری آرایه شده، کار نوینی است و به صورت منسجم به عوامل توسعه و یا توسعه نیافتگی در کشورهای مورد مطالعه پرداخته است.

ژاپن، تحت رهبری امپراتور میجی هیئت‌هایی را برای بازدید از مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانجات و صنایع غربیان و درس‌آموزی از آن‌ها راهی اروپا کرد، پادشاهان قاجار بیشتر برای تمتع جویی‌های شبانه به اروپا عزیمت می‌کردند. هزینه این سفرها هم بیشتر از طریق برخی واگذاری‌ها به بیگانگان تامین می‌شد. ژاپن اگرچه با همه مدل‌های توسعه غربی آشنا شد ولی در اخذ الگوهای مطلوب خود دست به گزینش زد و کوشید تا هماهنگی یک مدل با ویژگی‌های فرهنگی خود را مدنظر قرار دهد. اما در ایران، نخبگان هیچگاه از جایگاه آنچنان مناسبی برخوردار نبودند و اگر شخصی پیدا می‌شد که خوب فعالیت می‌کرد، بعد از مدتی ایشان را از صحنه سیاست به طرق مختلف کنار می‌گذاشتند. عدم ایجاد وفاق و شبکه‌ای شدن نخبگان در ایران یکی از مهمترین دلایل عدم تشکیل دولت توسعه‌گرا در ایران می‌باشد که متأسفانه هیچگاه چرخش نخبگان در ایران به معنای واقعی پدید نیامد.

#### جدول شماره ۱. بررسی وضعیت نخبگان در ایران و ژاپن

(منبع: نویسندگان)

کشور	اجماع بین نخبگان
ایران	-
ژاپن	+

ایران بعد از گذشت این سال‌ها و عدم محقق شدن موضوع توسعه نسب به ژاپن، دچار یک آنومی در بخش‌های

### جدول شماره ۲. بررسی وضعیت استقلال نسبی و دیوان‌سالاری در ایران و ژاپن (منبع: نویسندگان)

کشور	استقلال نسبی دولت	دیوان‌سالاری قدرتمند
ایران	-	-
ژاپن	+	+

ژاپن تا انقلاب میجی به طور جدی وارد نظام جهانی نشده بود و هیچگونه ارتباطی با دنیای خارج خود نداشت و اولین پیمان تجاری آن در سال ۱۸۵۸ با ناخدا پری آمریکایی منعقد گردید. ژاپن، از لحاظ منابع طبیعی آن چنان کشور غنی‌ای محسوب نمی‌شود، از این رو، با کوشش و اهتمام خود توانست در ابتدا با واردات و درنهایت با صادرات جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی تثبیت کند و محصولات با کیفیت خود را به سایر کشورها عرضه کند. ژاپن بعد از تسلیم در جنگ جهانی دوم به علت جلوگیری از خرابی بیش از حد زیرساخت‌های خود و همچنین حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا توانست خود را در جایگاه مناسب اقتصادی قرار دهد. این در شرایطی است که ایران بعد از شکست در جنگ‌هایی که با روسیه داشت و عقد عهدنامه‌های معروف ترکمن‌چای و گلستان وارد نظام جهانی گردید که نتیجه آن وابستگی کامل تجاری به روسیه و در ادامه به انگلستان را به همراه داشت. کار به جایی رسیده بود که در زمان قاجار روس‌ها، در زمان پهلوی اول انگلیسی‌ها و در زمان پهلوی دوم آمریکایی‌ها در امور داخلی و خارجی کشور تصمیم‌گیری و دخالت می‌کردند. علی‌رغم ارتباط ایران با برخی از دول غربی قدرتمند در طول تاریخ، ولی هیچگاه از بستر بین‌المللی مناسبی جهت توسعه و پیشرفت برقرار نبوده است.

### جدول شماره ۳. بررسی وضعیت بستر بین‌المللی در ایران و ژاپن (منبع: نویسندگان)

کشور	وابستگی	توسعه‌یافتگی
ایران	+	-
ژاپن	-	+

امروزه، به دلیل، شبکه‌های اینترنتی امکان برقراری ارتباط با دنیای خارج بسیار راحت‌تر شده است. بنابراین، آنچه در گذشته از نظام جهانی به عنوان دهکده جهانی تعبیر می‌شد

را می‌توان به یک اتاق جهانی تشبیه نمود که کشورها و ملت‌های آنان به راحتی با هم در تماس قرار داده است. پس بهتر است در چنین اوضاعی، به جای اشاعه و ترویج زبان فارسی، فرهنگ ایرانی، صدور انقلاب و یا موضوعاتی از این قبیل که البته بد هم نیستند بیشتر به فکر گسترش و افزایش توسعه اقتصادی باشیم. اگر ایران هم مثل ژاپن آزاد بود و دولت دلسوز و مقتدری بر سرکار بود، می‌توانست از صنایع داخلی خود در نیمه دوم قرن ۱۹ حمایت کند و همانند ژاپن دارای افراد مبتکر، کاردان و پیشگامان صنعتی باشد. افزایش صادرات، جایگزینی واردات، تولید محصولات با کیفیت، تقویت بنیان‌های طبقه متوسط جامعه، توزیع عادلانه، کاستن از ضایعات انرژی و جلوگیری از مهاجرت نخبگان و شرکت‌های دانش‌بنیان و ..... از راهبردهای مناسب و موردنظر کشورهای درحال توسعه به حساب می‌آیند. از تفاوت‌های اساسی ایران با کشورهای توسعه‌یافته این است که در آن افراد و یا بعضاً نهادهای موجود با استفاده از رفتارهای رانت‌خوارانه و غیرمولد به فکر ترقی و پیشرفت هستند، درحالی‌که در کشورهایی همچون ژاپن، تمام تلاششان به فکر تولید و انجام کار مولد می‌باشد. اگر اعتماد و همدلی میان مردمان ایران نسبت به گذشته کم‌رنگ شده است، به دلیل ناکارآمدی‌های رفتاری دستگاه حکومتی، حاکمان و مدیران بلندپایه آن می‌باشد.

#### منابع

- ۱- آدمیت، فریدون (۱۳۹۲). اندیشه ترقی و حکومت قانون. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.
- ۲- اوانز، پیتر (۱۳۹۸). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی. ترجمه: عباس زندباف و عباس مخبر. جلد اول، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- ۳- موثقی، احمد؛ حسن‌پور، حامد (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی نوسازی و نوگرایی در ایران و ژاپن در سده نوزدهم میلادی از چشم‌انداز مقایسه‌ای. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۸۸-۱۶۳.
- ۴- بشیریه، حسین (۱۳۹۸). موانع توسعه سیاسی در ایران. جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: گام نو.
- ۵- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۵). بررسی روند توسعه سیاسی دولت در کره جنوبی. فصلنامه دولت پژوهی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، تابستان، شماره ۶، صص ۵۹-۳۹.



- ۶- چلبی، مسعود؛ عظیمی، غلامرضا (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۹۲۰-۱۸۰۰). مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۸، شماره ۱. صص ۵۱-۳.
- ۷- حاجی‌ناصری، سعید؛ جباری، محمدحسن (۱۳۹۹). مطالعه مقایسه‌ای نظم سیاسی، بوروکراسی و توسعه ایران (دوره قاجاریه و پهلوی) با ژاپن (دوره میجی). فصلنامه جامعه‌شناسی ایران. سال سوم، شماره ۲. صص ۱۰۲-۶۹.
- ۸- حقیقی، ایمان (۱۳۸۴). توسعه اقتصادی ژاپن و عوامل کلیدی آن. انتشارات راهبرد یاس. زمستان، شماره ۴. صص ۳۴۷-۳۲۵.
- ۹- حسینی گلی، سید اسمعیل؛ ساعی، احمد (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سیاستگذاری ایران و کره جنوبی در عرصه صنعت خودرو، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. سال دهم، پاییز، شماره ۳۹. صص ۱۹-۹.
- ۱۰- دلفروز، محمدتقی (۱۴۰۰). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
- ۱۱- درخشان، مرتضی؛ شعبانی افارانی، الهه (۱۴۰۱). کتاب توسعه ۱۴۰۰. جلد اول، چاپ اول، اصفهان، فرهنگ مردم.
- رضاقالی، علی (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی نخبه‌کشی. جلد اول، چاپ ۴۷. تهران: نشر نی.
- ۱۲- رجب زاده، هاشم (۱۳۶۵). تاریخ ژاپن. جلد اول، چاپ اول، تهران: رامین.
- ۱۳- سریع القلم، محمود (۱۳۹۸). عقلانیت و توسعه‌یافتگی. جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: فرزانه روز.
- ۱۴- سریع القلم، محمود (۱۳۹۰). اقتدارگرایی ایران در عصر قاجار. جلد اول، چاپ اول، تهران: فرزانه روز.
- ۱۵- سینائی، سید عطاءالله؛ شفیعی، مسعود (۱۳۹۷). همبستگی سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی. فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی. سال هشتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان، صص ۹۱-۱۱۲.
- ۱۶- عطار، سعید (۱۳۸۸). ژاپن و امر توسعه: نگاهی به جایگاه نظام برنامه ریزی و قانون برنامه توسعه در فرایند توسعه ژاپن. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۴۵-۱۲۵.
- ۱۷- عطار، سعید (۱۳۹۵). بایسته‌های برنامه ریزی توسعه با توجه به تجربه کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین و هند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل ۱۵۳۲۷، اسفند ۱۳۹۵، صص ۲۸-۱.
- ۱۸- کمپ، تام (۱۳۷۹). الگوهای تاریخی صنعتی‌شدن. محمد ابراهیم فتاحی. جلد اول، چاپ اول، تهران: نی.
- ۱۹- کو، هیگن (۱۳۸۹). تباین پنهان بین قدرت نیروی کار و نابرابری درآمدی: مقایسه مورد برزیل و کره جنوبی. ترجمه: علی بی‌نیاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. (صفحات مرکز مشخص نبود)
- ۲۰- لفت‌ویچ، آدریان (۱۴۰۰). دولت‌های توسعه‌گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه. ترجمه: دکتر جواد افشارکهن، چاپ اول، جلد اول، تهران: نشر پبله.
- ۲۱- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۹۹). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، جلد اول، چاپ دهم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲- مدنی، امیرباقر (۱۳۹۹). ژاپن چگونه ژاپن شد؟. جلد اول، چاپ سوم. تهران: تمدن علمی.
- ۲۳- موثقی، احمد؛ حسن پور، حامد (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی نوسازی و نوگرایی در ایران و ژاپن در سده نوزدهم میلادی از چشم انداز مقایسه‌ای. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران. سال سوم، پاییز، شماره ۳. صص ۱۸۸-۱۶۳.
- ۲۴- منظورالاجداد، سید محمدحسین (۱۳۹۰). از عطاری‌های سنتی تا داروسازی جدید در ایران، مجله تاریخ علم، شماره ۱۰. صص ۳۸-۲۷.
- ۲۵- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۰). تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات عالی آموزشی ایران در عصر پهلوی، تهران: دانشگاه تهران
- ۲۶- مدنی، میربافر (۱۳۷۴). موانع توسعه اقتصادی ایران. جلد اول، چاپ اول، تهران: شهراب.
- ۲۷- موسوی، سعید (۱۴۰۰). داستان توسعه در ایران. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: گروه مهندسی خرد.
- ۲۸- نقی‌زاده، محمد (۱۴۰۰). در جست و جوی شش هزار روز گمشده. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشرنی.
- ۲۹- ناعم، نیما؛ یعقوب زاده، امید (۱۳۹۷). موانع توسعه ایران. جلد اول، چاپ دوم، تهران: نقد و فرهنگ.



- 39- Kohli, Atul (2005). *State-Directed Development: Political Power and Industrialization in the Global Periphery*. Vol.1, Cambridge University Press.
- 40- Kim, S. & Jeong, D (2017). *Korea's Policy Coordination: Past and Present*, Korea's Policy Coordination: Past and Present (English). Washington, D.C., World Bank Group. Pp. 1-27.
- 41- Marwala, Tshilidzi (2006). *Foundations for a Developmental State: A Case for Technical Educational*. Xiv: 0907.2019v1 Available on <http://arxiv.org/ftp/papers/0907/0907.2019.pdf>
- 42- North, Douglass C (et al) (2011). *Limited Access Orders: Rethinking the problems of Development and Violence*. Accessible at: <https://web.stanford.edu>.
- 43- Ohno, Kenichi (2005). *The Economic Development of Japan (The Path Traveled by Japan as a Developing Country)*. Tokyo: Yuhikaku Publishing.
- 44- Stark, Manuel (2010). *East Asia State as a Reference Model for Transition Economics in Central Asia: An Analysis of Industrial Arrangements and Exogeneous Constraints*. Economic and Environmental Studies. Vol. 10, No. 2, pp. 189-210.
- 45- Stubbs, Richard (1999). *War and Economic Development: Export-Oriented Industrialization in East and Southeast Asia*. Comparative Politics. Vol, 31, No. 3. pp.337-355.
- 46- Toussaint, Eric (2014). *South Korea: The Miracle Unmasked*. Series: Bretton Woods, the World Bank, and the IMF: 70<sup>th</sup> anniversary (part 13) available on: <http://www.cadtm.org/south-Korea-the-miracle-unmasked>.
- ۳۰- هرسیچ، حسین (۱۳۸۰). روش مقایسه‌ای: چیستی، چرایی و چگونگی به کارگیری آن در علوم سیاسی، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان. سال سیزدهم، شماره ۱. صص ۱۷-۷.
- 31- Acemoglu, D. & Robinson, J. A (2012). *Why nations fail: The origin of power, prosperity, and poverty*. 1<sup>st</sup> (ed), New York: Crown Publishers.
- 32- Culeddu, Maria Paola (2013). *The Samurai Bond of Loyalty: Transition from Blood Ties Through Self-Interested allegiance to absolute devotion*. Journal of Cultural Interaction in East Asia. Vol. 4, pp: 61-72.
- 33- Chibber, Vivek (1999). *Building a Developmental State: The Korean Case Reconsidered*. Politics, and Society. Vol. 27, No.3, pp.309-346.
- 34- Deans, Phil (1999). *The Capitalist Developmental State in East Asia*, In Ronen Palm and Jason Abbott, *State Strategies in the Global Political Economy*. Vol. 1, Pinter Publisher.
- 35- Doner, Richard, Bryan Ritchie and Dan Slater (2005). *Systemic Vulnerability and the Origins of Developmental States: Northeast and Southeast Asia in Comparative Perspective*. International Organization. Vol. 59, Spring, pp. 327-61.
- 36- Gordon, Andrew (2013). *A Modern History of Japan: From Tokugawa Times to the Present*. New York: Oxford University Press.
- 37- Hague, R. M. Harrop and S. Breslin (1992). *Comparative Government and Politics*. Vol.1, 6<sup>th</sup> (ed), London: Macmillan.
- 38- Johnson, Nevil (1975). *The Place of Institutions in the Study of Politics*. Political Studies, XXIII, pp. 271-83.

